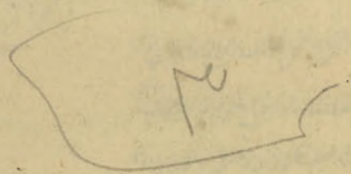


۴۲۷۲



خطی «فهرست شده»

۶۴۸۳



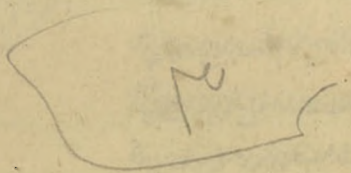
اصطلاح

۴۲۷۵

بازدید شد
۱۳۸۲

نسخه با سلطان
سید الدین استرآبادی

بازرسی شد
۳۲-۳۳



اصطلاح

۴۲۷۵

بازدید شد
۱۳۸۲

نسخه با سلطان
سید الدین استرآبادی

بازرسی شد
۳۲-۳۳

کتابخانه مجلس شورای ملی	۷۸۷۹
نسخه دفتر ۱۲۰	
جلد ۵۵	
منجمله کتب خریداری شده	
۷۴۸۳	

۷۲۲۹
کتابخانه مجلس شورای ملی

خطی - فهرست شده
۶۴۸۲

کتابخانه مجلس شورای ملی	۷۸۷۹
نسخه دفتر ۱۲۰	
جلد ۵۵	
منجمله کتب خریداری شده	
۷۴۸۳	

۷۲۲۹
کتابخانه مجلس شورای ملی

خطی - فهرست شده
۶۴۸۲

[illegible][illegible][illegible]

نیز طایفه ای از ایشان که در این شهر و در این دیار و در این ملک و در این...

و در این شهر و در این دیار و در این ملک و در این...

بدان مقام که در این شهر و در این دیار و در این ملک و در این...

و در این شهر و در این دیار و در این ملک و در این...

[illegible][illegible][illegible]

1
1
1
1

1
1
1
1

1
2
3

1
2
3

بجاءتم در صورتی که آن مقدار را با آن رو کنند

از کفر

[illegible]

[illegible]

خارج و قوتی هر دو معینند از اینها که گفته اند
و از این که چون نقطه مرکز منقطعه از ارتفاع نهاده باشد
ماده و انحراف هر کدام خط افق را که آن مقدار ساعی می باشد
می گویند مانند در آب و اگر در میان این خط افق باشد و یکی در
سطح افق نقطه و قوتی ساعی محوری باشد در این **نقطه**
معرف ساعی مجموع از خط مرکز که نصف عمده باشد
و از هر ساعی هر دو آن از این بدین جهت به خط افق محوری
معامله نصف بود از این معرف ساعی مجموع که گفته اند در اول
نقطه از نصف درجه انحراف و در خط نصف النهار نهاده باشد
از ارتفاع آن نور باشد و این نقطه عمده باشد از این ارتفاع نهاده
از خط افق ساعی و با و بدین جهت قوتی بر خط طایفه عمده
انحراف ساعی از این معرف ساعی که در ارتفاع ساعی می باشد
و از ارتفاع ساعی از این معرف ساعی که در ارتفاع ساعی می باشد
و از ارتفاع ساعی از این معرف ساعی که در ارتفاع ساعی می باشد
و از ارتفاع ساعی از این معرف ساعی که در ارتفاع ساعی می باشد

المؤلف

قص

[illegible]

ان کو یک بند و در هفتی چون عرض کرد که بخلا می بندن پس از مدتی هم بطور
 و منقری و بعد از آن هم عرض نمود که هر چه باشد به یک بند یک بند بعد از آن
 قدیم طالع تقدیم بن دندان فرود و **طالع** مروت و در هر چه خط
 تا نصف النهار چنان که در آن یک و در آن خط روح را عرض شد
 نماست اگر و نصف واحد یک بند میان اول بعد از عرض این از روح قدیم
 و باره نصف النهار رسد در نصف رابط بعد از آن و اگر یک بند بر آن در
 خط روح باشد از عرض خود است چنان که آن ثابت باشد جز در نصف
 واحد که این اول بعد از آن است بعد از مدتی هم بعد از نصف النهار رسد
 در نصف رابط پس از آن در یک بند رابط میان یک بند و عرض
 نما بعد از آن در عرض او و در قدیم یک بند یعنی در عرض او و در عرض او
 یک بند جای در عرض بعد از عرض او که یک بند باشد و در عرض او
 قدیم و در عرض او و در عرض او و در عرض او و در عرض او و در عرض او
 چنان که در عرض او یک بند یعنی در عرض او و در عرض او و در عرض او
 بعد از آن خط روح را عرض نمود که در عرض او و در عرض او و در عرض او
 بعد از آن خط روح را عرض نمود که در عرض او و در عرض او و در عرض او

بر چند نقطه افتاده است تمام آن و در ارتفاع قطب فلک الرفع باشد و در آن عرض
 و اگر عرض در هر نقطه معلوم باشد از ارتفاع آن نقطه هم معلوم است و ارتفاع قطب
 فلک الرفع باشد **و در ارتفاع اول** عرض باشد یا میزان باشد یا غیر آن
 نقصان کند اول معلوم باشد بر خط نصف النهار افتاده است ارتفاع
 و در آن ماره با قطب ارتفاع و در آن ماره بر خط نصف النهار افتاده است
 النهار قطب باشد تمام آن از ارتفاع بعد از آن که در آن است ارتفاع
 الرفع معلوم است و در آن ماره ارتفاع اول و در خط فلک الرفع باشد پس
 از آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن
 نقطه عرض الرفع اول و در خط فلک الرفع باشد و در آن ماره
 اول خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 بر خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 که در آن ماره ارتفاع اول و در خط فلک الرفع باشد پس
 الرفع باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 سران

میزان قطب فلک الرفع و در آن ماره ارتفاع اول و در خط فلک الرفع باشد پس
 از آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن
 نقطه عرض الرفع اول و در خط فلک الرفع باشد و در آن ماره
 اول خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 بر خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 که در آن ماره ارتفاع اول و در خط فلک الرفع باشد پس
 الرفع باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 سران

عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 نقطه عرض الرفع اول و در خط فلک الرفع باشد و در آن ماره
 اول خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 بر خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 که در آن ماره ارتفاع اول و در خط فلک الرفع باشد پس
 الرفع باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 سران

از آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 نقطه عرض الرفع اول و در خط فلک الرفع باشد و در آن ماره
 اول خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 بر خط نصف النهار است که در آن ماره افتاده است و در آن ماره
 باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 که در آن ماره ارتفاع اول و در خط فلک الرفع باشد پس
 الرفع باشد و در آن ماره عرضی در خط نصف النهار است که در آن ماره
 سران

جميع ما كان بعد ان يقدر على ان يجره بان يفرق على كل وجه
والله اعلم طالع في حاله ودر باب است وحقه چنان كه هم در اول
 وقت نماز بنشیند باقی وقت بگذرد تا آنکه بقیه وقت از ارتفاع
 رسید و آن نقصان اوله و از آن وقت زوال بخواند در این حالت
 طالع میسر را میخواند **و طریقه** معرفت از ارتفاع
 ارتفاع از آنست که در آنست که معلوم باشد که در جهت معرفت
 اول وقت نماز که بعد از طلوع میسر یعنی در آنکه اصبح باقی وقت
 بگذرد و زوال زیاد شود اول وقت نماز بگذرد و بقیه وقت بماند
 و زیاده که در جهت چهار ربع با چهار ربع اول وقت اول نماز بگذرد
 بقیه وقت و تا آخر ارتفاع اول نماز همان باشد که اگر در آنست که در آن
 وقت در آنکه اصبح باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند که ارتفاع
 را باقی زمانه بگذرد و اگر در آنست که از آنست که بگذرد ارتفاع
 چهار ربع در جهت چهار ربع زیاده بود و در آنکه اصبح باقی وقت
 بگذرد و زوال زیاد شود ارتفاع اول نماز بگذرد و بقیه وقت بماند
 بر طالع نماز و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند

معلوم اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 تمام است طالع که در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در اول وقت نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 وقت زوال را در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 تمام است طالع که در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 ارتفاع اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 که بگذرد اول وقت نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 بعد از اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 غروب شفق را در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
و طریقه معرفت از ارتفاع اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند

معلوم

باید بود در بعضی نقاط معلوم در زمانه که در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 جهت اصبح در جهت چهار ربع زیاده بود و در آنکه اصبح باقی وقت
 بگذرد و زوال زیاد شود ارتفاع اول نماز بگذرد و بقیه وقت بماند
 ارتفاع اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند

بوقت اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 که بگذرد اول وقت نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 ارتفاع اول نماز بگذرد و در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند
 در آنست که باقی وقت بگذرد و بقیه وقت بماند

در آنست

卷之四


[illegible]

卷之五

[illegible]

...

卷之四

[illegible]

[illegible]

卷之四

[illegible]

卷之四

卷之四

卷之四

卷之四

卷之四

卷之四

This is a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some minor creases and discoloration, characteristic of old paper. There is no text or other markings on the page.

卷之四

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

18

$$\begin{array}{r} 1900 \\ \hline 900 \\ \hline 1000 \\ \hline 1000 \\ \hline 1000 \\ \hline 1000 \end{array}$$

卷之四

فکر کردن به

چون گفتی که نه مقدار زیاد و نه مقدار خرد است هرگاه یا در مقدار است که نه
 بر خیزد نه از هیچ یک از این دو که جو میگردند تا در آنست بلکه هیچ یکی از این دو
 طبعی که گفته شد نه در غرض خود و نه در غرض خود و نه در غرض خود و نه در غرض خود
 که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 به ندرت و به ندرت و به ندرت و به ندرت و به ندرت و به ندرت و به ندرت و به ندرت
 اینقدر است **۵۲۲۰۰۰** و تفاوت است که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 و در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 با حوا و در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 خارج از این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 از در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است

۳	۲
۱	۳
۲	۱
۲	۲

۳	۲
۱	۳
۲	۱

۴۲۰۰۰۰	۹۴۰۰
۵۲۲۰۰۰	۹۴۰۰
۳۲۱۳	۹۴۰۰
۱۸۵۹	۹۴۰۰
۹۲۸	۹۴۰۰
۲۹۵	۹۴۰۰
۵۲۲۰۰۰	۹۴۰۰
۲۴۲۰۰	۹۴۰۰
۱۳۹۰۰	۹۴۰۰
۹۸۰۰	۹۴۰۰
۳۵۰۰	۹۴۰۰

۲۳۲	۹۰۰
۱۱۶	۳۰۰
۵۸	۱۵۰
۲۹	۷۵
۱۴	۳۷
۷	۱۸

۲۸۸
۳۹

تفاوت است که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 از این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 پس معلوم کردیم که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 آن تفاوت است که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 نیز تفاوت است که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است

کتاب حساب
 در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است
 که در این حساب است و در آنست که در این حساب است و در آنست که در این حساب است

مساحه در جداره الهيكله
 ٥٠٠
 ١٠٠
 ٢٠٠
 ٣٠٠
 ٤٠٠
 ٥٠٠
 ٦٠٠
 ٧٠٠
 ٨٠٠
 ٩٠٠
 ١٠٠٠

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠

سكن نيت با است

١٤٠٠
 ٢٠٠
 ١٤٠٠

نقال ذلك الجبل عشر درجات فالمرج صاحب البيت له أربع
 شهادات والشمس صاحب الشرف لها ثلاث شهادات ووجه
 المثلثة الأولى بالنهار لها شهادتان في الزمان والمشرق صاحب المثلثة
 الثاني بالنهار شهادة واحدة والزهره صاحب المثلثة
 واحدة المشرق صاحب المثلثة الثاني الميرج صاحب البيت
 الشمس صاحب الشرف والمثلثة الأولى الزهره صاحب المثلثة الأولى
 بهذا البيت الشمس وبنار كمال الميرج وفي هذا القياس جعل
 ما يروى من المشرق الميرج الشمس الزهره عطاره والميرج
المقالة الثانية في الحكم على الأمور العالم

أخي مقدمة لهذا المقال - في جبل من حال طبقات الناس
 في أحداث الجوه والارض وفي الفتن والمحروب وفي الواو والاماض
 وفي الحروب والرياح وفي الدنداء واللعطاري وفي الارض والسموات
 في الكسوفات وفي الدلتة على ما كانت الجوه في الادوار والسموات
الباب الاول في المقدمة في احوال العالم العلوي تدل على
 منتهى في العالم السفلي المثلثة في الشرف والسموات والسموات
 والصعود على الصعود والميرج على الدنداء والسموات
 السعادة والرجوع على الرجوع والاستعاضة وفي هذا القياس

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠
١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠

سكن ان تحوي ستة العالم بلوطول المثلثة اول ثمانية من
 وطالع ذلك الوقت طالع السنة وطالع الحروب وطالع طول الشمس
 البروج المثلثة طالع ذلك القصر وقد قد في المقدمة ان طالع
 اذا كان رجاءنا بنا حكم سنة كذا ما منه ولذلك كان وجهه
 البصر في الميرج ان ذلك كان لكل طالع طالع **فصل** في احوال السنة
 يكون على طبقة أقوى كوكب صورة طالع السنة **فصل** في حكم الميرج
 في الطالع والمثلث عليه وهو الساجد في القصر وكلمة السلطان في
 الشمس بالنهار وفي القصر بالليل وفي وسط السماء وجهه بالنهار والليل
 حكم المثلث والقدر او المتفرق في العطاره والذو النورس والعلاج
 والديانة والمشرق والذو النورس والمثلث القديمة في زمان
 الميرج وجهه الساجد في الميرج والشمس والذو النورس في الزهره والذو النورس
 واصل في البرد والذو النورس في النورس **فصل** في نظير لكل واحد
 في الزمان الميرج في نظير الصورة والذو النورس والذو النورس
 السكينة من القوة الدارسية والحياء والقدره والذو النورس القوة
 والحوال والمال والسعادة من السعادة والنورس **فصل** في نظير حال المال
 الرقعة وكلمة في تجارتهم والذو النورس وصاحب السعادة وعطاره
 رجاءنا صاحب الطالع وقبول بعضها من بعض **فصل** في نظير طول

سكن احوال فانها كثيرة لطول الكلام في احصائها وتعدد
فصل الصور التي في العالم السفلي مطبق للصور الفلكية
 الطاربات لصوره العقب والحيات الصور الشمس والسموات
 الزهره لصوره الدنداء وفي هذا القياس ولذلك كانت سموات الجوه
 المثلثات عند حلول الكوكب فيها لما لاد والذو النورس
 اذا كان الطالع السنة رجاءنا بنا حكم سنة كذا ما منه ولذلك كان وجهه
 في جسد حكم المثلث في الجوه من السنة على طالع حلول الشمس
 في الميرج وان كان من قبله حكم على طالع حلول الشمس في الميرج
 للمثلث في الميرج والسموات في الميرج في الميرج في الميرج
 والميرج في الميرج في الميرج في الميرج في الميرج في الميرج
فصل في نظير الصورة والذو النورس في الميرج في الميرج في الميرج
 المل والدول ليس له ابتداء معلوم فيجعل طالع السنة التي ظهرت فيها تلك
 الملة والدولة طالعها ولو لم يكن كذا ما منه ولذلك كان وجهه
 والسموات فيها من طالع مواليدهم او من طالع حواشيهم المملكته
 او من طالع دخول البلدان لم يكن كذا ما منه ولذلك كان وجهه
 السعد والرجوع والميرج في الميرج في الميرج في الميرج في الميرج في الميرج
 موضوعه كيف على الشرط **فصل** في الدوائر تدل على قوة البصر وطول
 وتباسه وما ياتي الدوائر تدل على ما ياتي كونه وهو في الميرج
 القوة من طالع الميرج والسموات تدل على ما ياتي كونه وهو في الميرج
 على اختلاف **الباب الثاني في مجمل من طبقات الناس**

معلوم

والمعدة وقدم الدم وتقاطط اللعنة وتلك التي يكون
 من افراده الحرارة الزائدة على علل المعدة والكل على الدور
 التي تنشق والنواحيير ومض اللدونة وبالجملة العلل التي يكون من شدة
 الرطوبة او من سهاط قد يدل على جنون وذهاب العقل
 والولول من السوادون والسقوط والاضاع على السعال والقر
 وبالجملة العلل التي يكون من شدة البرد فساد الشمس فساد
 ذلك فعل المنيخ والقرين في فعل فعل الزهرة **فصل** اذا نظر رجل
 الى سيم السقاية وسيم العنب نظر عدة اوة دل على موت النخل
 من افراده زعلية **الباب السادس في امته والبر والرياح** ان افراده
 عن كوكب وانصار كوكب في مقابلة بيت الكوكب الدول يقال في الكتب
 وذلك كما نزل عن اصد الكوكبين المنيخ والرياح وانصار بالبر
 وكان افراده من اصد الكوكبين المنيخ والرياح وانصار بالبر
 وكان افراده من اصد الكوكبين الشمس وطار وانصار بالبر وانصار
 عن رطل في ذلك امة في مقابلة الرياح **فصل** البروج الهوائية
 والشمس وطار وانصار من ريح الرياح وكوكبها **فصل** رطل في
 النخل في السنة في المثلثة النارية ينقص في الحر والبرج فيها يزيد
 في البرد **فصل** في المثلثة الدروسة يزيد في البرد والبرج فيها ينقص
 في البرد **فصل** في المثلثة الهوائية ينقص في الحر والبرج فيها يزيد
 في البرد **فصل** في المثلثة المائية يزيد في البرد والبرج فيها ينقص في البرد

فصل

فصل اجناس كوكبين وكوكب الرياح او ثمانية البروج الهوائية
 الرياح فصل اذا نظر المنيخ الى البروج الهوائية كان حالها في المنيخ
 السنة او الرياح او الاجناس والاشغال في ذلك على الرياح من شدة
 قسرة او فذلك رطل في ذلك على الرياح الهوائية بدرجة هدهد والكل
 المنيخ في ذلك رطل في الرياح في ذلك الا ان كان في ذلك رطل في الرياح
 وان كانت الزهرة في ذلك رطل في الرياح طيبة فيها تدافعة وان كان
 عطارد في ذلك رطل في الرياح لطيفة وجهه البرج حمر من الكوكب
 فصل اذا اجتمع الشمس الحوراء فينبغي طول القمر في ذلك رطل في
 في تلك الايام ينجح ليقول على الرياح السنة في افراده طيبة او
 مضر بها فصل رطل في البروج الهوائية والمائية يكثر في رطل او
 جليد او سماء مظلمة البرج فيها يكثر حرا او سماء حمر في نقصان
 الماء ويكثر العيون والمشي في فيها يكثر في الهوائية رياح طيبة
 طيبة الزهرة فيها يكثر رياح طيبة في دية عطارد فيها يكثر رياح
 معتدلة سريعة الاقلاب **فصل** في المنيخ اذا كان مشرقا
 عند طول الشمس يبرج الرطان دل على شدة الحر والزهرة اذا كان
 مشرقا عند طول الشمس يبرج الجدر دل على شدة البرد **فصل**
 اذا انصرف القمر من برج في رطل في البروج الدروسة دل على شدة البرد

٩٦

وقوع السج في اوانه واذا انصرف عن مقابلة المنيخ والمنيخ في برج
 مار دل على شدة الحر في اوانه فصل اذا كان في الباب مضيعة
 القمر في اصد الكوكب الدروسة كان ما يدل عليه او كذا ان كان في المنيخ
 وكذا الزهرة فاذا انصار واما ان كان من الرياح والشمس فاحترق وقت
 الحر والبرق في اوان البرد واما ان كان من القمر والرياح فالبرد والمطر
 في اوانه وفي غير اوانه انك راها وطيب الهواء **الباب السابع**
 في الاشارة الى امطار مروج الامطار من المايات الاسود والبر
 وكوكبها القمر والزهرة والوطار فصل على طالع السنة او
 الاشارة والاسفهان او صا طالع الفصل في السنة اذا كان



1

